

بوستان‌های شهری و مسأله‌ی «دیگری»: مقایسه‌ی دیدگاه کاربران دو بوستان شهری در منطقه‌ی ۲۲ تهران درباره‌ی دیگران

صلاح‌الدین قادری^۱، امیر هاشمی مقدم^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۱/۱۸

چکیده

مسأله «ما و دیگری» از مسائلی است که ارزیابان اجتماعی و فرهنگی بوستان‌های شهری باید به آن توجه کنند. مقاله‌ی حاضر با رویکرد نظری فضاهای عمومی به بررسی نقش بوستان‌ها در حوزه‌ی اجتماعی و فرهنگی پرداخته است. یافته‌های به‌دست آمده درباره‌ی دو بوستان شریف و رشد در منطقه‌ی ۲۲ شهرداری تهران نشان می‌دهد که دیدگاه پاسخ‌گویان تقریباً در تضاد با اهداف، کارکردها و پیامدهایی است که برای فضاهای عمومی تعریف شده است. گله‌مندی و ناخرسندی از حضور دیگرانی با پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین‌تر، از نظر موقعیت مکانی متفاوت‌تر، از نظر سنی جوان‌تر، و از نظر رفتار اجتماعی نابهنجارتر و... بیان‌کننده‌ی فرایندهای اجتماعی موجود در این فضاها به‌سوی تضاد و تنش در روابط اجتماعی است تا اینکه گرایش به ایجاد هم‌بستگی و سرمایه‌های اجتماعی داشته باشد.

مقاله حاضر تکیه بر نتایج دو مطالعه‌ی ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی دو بوستان شریف و رشد در منطقه‌ی ۲۲ شهرداری تهران داشته و داده‌های آن با روش کیفی مبتنی بر مصاحبه و مشاهده به‌دست آمده است. تحلیل نظری نتایج بر اساس دیدگاه نظری پیر بوردیو درباره‌ی «تمایزبایی» روشن می‌کند که این امر تا حدودی به‌عنوان یکی از پدیده‌های گریزناپذیر زندگی اجتماعی امروزی است. اما ارزیاب تأثیر اجتماعی و فرهنگی باید دقت کند که پیامدهای انباشتی ممکن است این تضاد را از حوزه‌ی تمایزبایی به حوزه‌ی تنش و مقاومت و مقابله ببرد؛ بنابراین باید زمینه‌های موجود تضاد در محل شناسایی و نقش بوستان در تقویت آن‌ها را بررسی و در راستای کاهش آن‌ها راه کارهایی را ارائه کند.

واژه‌های کلیدی: ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی، بوستان، دیگری، فضای عمومی، بوردیو، تمایزبایی.

^۱ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد هشتگرد salahedin.gh@gmail.com

^۲ - پژوهشگر آزاد moghaddames@gmail.com

بیان مسأله

«ما» و «دیگران» همواره یکی از اصلی‌ترین دسته‌بندی‌های اجتماعی در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... بوده است. حتی این تفکر را می‌توان سنگ بنای تفکر انسان‌شناختی، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین شاخه‌های علوم اجتماعی دانست (فکوهی، ۱۳۸۱: ۲۳). هم‌چنین این مسأله تعیین مرز و مشخص کردن حدود و قلمروها در کنار احساس تعلق همراه با مالکیت یکی از برجسته‌ترین نکات در این حوزه است. بوستان‌های شهری از آن جایی که به‌عنوان یک «فضای عمومی شهری» مطرح هستند معمولاً به روی عموم مردم در یک شهر باز هستند و کسی نمی‌تواند به‌صورت رسمی دیگران را از استفاده از آن‌ها منع یا طرد کند. فضای عمومی، فضایی است که بر حسب نیاز شهروندان پدید می‌آید و از این‌رو به‌رویی عامه مردم گشوده است. ویژگی این فضا، اجازه دادن به‌حضور گروه‌های متفاوت مردم - صرف‌نظر از طبقه‌ی اجتماعی، قومیت، تحصیلات، سن و جنس آن‌ها - است. از این‌رو چنین فضایی با فضاهای خصوصی یا تحت کنترل، که فقط ورود افراد خاصی را مجاز می‌دارد کاملاً تفاوت دارد. با توجه به این پشتوانه‌ی فکری و نظری در عمل مشاهده می‌شود که معمولاً فرایندهای اجتماعی خاصی در محدوده‌ی این فضاها و مخصوصاً بوستان‌های شهری حاکم است که منجر به این می‌شود که گروه‌های خاصی از کاربران به‌صورت غیررسمی گله‌مند از حضور «دیگرانی» که در تصور آن‌ها متفاوت از آن‌ها هستند، بوده و درصدد تعیین قلمرو برای کاربران از این بوستان‌ها باشند.

احداث بوستان در نگاه اول اقدامی با پیامدهای مثبت به‌نظر می‌رسد؛ اما تجارب احداث بوستان‌ها در برخی محلات شهر تهران نشان داده که به‌دلایل مختلف، گاهی به پیامدهایی ناخواسته انجامیده است که اگر از سطح خاصی فراتر رود، به ایجاد مشکلاتی منجر می‌شود، یا مسائل ریشه‌دار و تاریخی را در جامعه بازتولید و نهادینه می‌کند.

بررسی‌های تجربی (قادری، ۱۳۹۰؛ برغمندی، ۱۳۹۰؛ مؤسسه‌ی مدیران فرهنگ و هنر، ۱۳۸۹؛ سجادی‌پور، ۱۳۹۱؛ و ...) درباره‌ی بوستان‌های شهر تهران نشان می‌دهد «گله‌مندی» و «ناخشنودی» گروه‌های ساکن در محدوده‌ی بوستان‌ها درباره‌ی حضور «دیگرانی» از سایر محلات، گروه‌های سنی خاص، گروه‌های اجتماعی حاشیه‌ای و... در محدوده‌ی برخی بوستان‌های شهری شدت بیشتری دارد. در برخی از این مطالعات ساکنان اطراف بوستان‌ها بیان کرده‌اند به‌دلیل حضور «دیگران غیرخودی» حاضر به استفاده از بوستان نیستند و حتی‌المقدور زمان‌هایی که «دیگران» غیرخودی در بوستان حضور ندارند از آن استفاده می‌کنند.

برخی از دلایل تعیین مرزهای میان «ما» و «دیگران» و تعیین قلمرو برای «حضور و بودن» ما یا دیگران یا ما و دیگران مربوط به پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی خاصی از قبیل تفاوت‌های فرهنگی (قومی، زبانی، نژادی و...) و تفاوت‌های اجتماعی (پایگاه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، سبک زندگی و الگوی مصرف و...) است.

راونسکرافت و مارک ول ۷۳ (۲۰۰۰) در مقاله‌ای به بررسی تأثیرات مقررات بوستان‌ها بر میزان ارتقای ادغام اجتماعی گروه‌های قومی در انگلستان پرداختند. آنان دریافتند که اعضای اقلیت‌های قومی بیش‌تر گرایش دارند به بوستان‌های بزرگ بروند تا بوستان‌های محلی، زیرا در بوستان‌های محلی درجه بیش‌تری از تبعیض قومی نمود دارد تا بوستان‌های بزرگ.

به هر ترتیب این تقابل در طول تاریخ وجود داشته است. اما به نظر می‌رسد آنچه امروزه در کلان شهر تهران نقش برجسته‌تری ایفا می‌کند تفاوت‌های اجتماعی است. این‌که چرا برخی از گروه‌های اجتماعی از حضور «دیگری» متفاوت، مخصوصاً از نظر اجتماعی (پایگاه اقتصادی و اجتماعی، سبک زندگی و شیوه‌ی مصرف) تا این اندازه ناخرسند هستند و «دیگری» را مهاجم تسخیرکننده‌ی قلمرو اجتماعی خود تلقی می‌کنند و از حضور او احساس ناامنی می‌کنند و حتی در مواردی خود را از استفاده از یک خدمت و فضای عمومی محروم می‌کنند، نباید به‌عنوان یک پدیده‌ی غیرطبیعی و انحصارطلبی گروهی خاص تلقی شود. هرچند این امر هم ممکن است به دلیل عواملی مانند پایگاه اقتصادی اجتماعی، سبک زندگی و شیوه‌ی مصرف رخ بنمایاند؛ چراکه علت این امر می‌تواند بیان‌کننده‌ی حفظ انسجام اجتماعی و تقویت هویت محلی هم باشد.

تفاوت در برداشت از استفاده از بوستان هم می‌تواند بخشی از این تقابل را صورت‌بندی کند. تینسلی^{۷۴} و همکاران (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای به بررسی تفاوت در استفاده و برداشت از بوستان توسط گروه‌های مختلف قومی پرداخته‌اند. آن‌ها در یافته‌های خود به این نتیجه رسیدند که کاربران آفریقایی-آمریکایی با هدف کسب لذت و تقویت شرایط بدنی و شخصی و نیز ورزش کردن و مهم‌تر از همه بهره‌مندی از منافع روانی-اجتماعی از بوستان استفاده می‌کنند. در حالی که، کلیه‌ی گروه‌های قومی بیان کرده‌اند که آن‌ها به‌منظور کسب لذت و شانس انجام فعالیت‌های ساده و غیرچالشی از بوستان استفاده می‌کنند. هر چهار گروه قومی مورد بررسی بیان کرده‌اند بوستان

^{۷۳} - Ravenscroft & Markwell

^{۷۴} - Tinsley

زمینه‌ی تعاملات فرهنگی و انفرادی را برای آن‌ها فراهم کرده است. بنابراین تفاوت در برداشت از استفاده از بوستان ممکن است زمینه‌ی تقابل را در حوزه‌ی عمومی بوستان برجسته سازد. مقاله‌ی حاضر در نظر دارد با بینشی جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی، به بررسی مسأله «ما و دیگری» و نحوه‌ی بازتولید آن حتی در زندگی کلان شهری مدرن بپردازد. بینش جامعه‌شناختی ما را قادر به درک این مطلب می‌کند که بسیاری از وقایعی که ظاهراً فقط به فرد مربوط می‌شوند، در واقع مسائل بزرگ‌تری را منعکس می‌کنند. احداث یک بوستان ممکن است برای یک فرد یا تعداد اندکی از افراد محدوده پروژه مشکلات خاص فردی یا گروهی ایجاد کند؛ اما وقتی که طیف وسیعی از افراد و گروه‌های اجتماعی در موضوع بوستان به‌نحو مثبت یا منفی درگیر می‌شوند، آن‌گاه احداث بوستان فراتر از یک تراژدی یا رؤیای شخصی است؛ یعنی، مسأله‌ای عمومی است که روندهای اجتماعی بزرگی را نشان می‌دهد. هم‌چنین به‌واسطه‌ی بینش انسان‌شناختی در می‌یابیم که این خود و دیگری، انطباقی است از دو مفهوم «هویت» و «دیگربودگی». به‌عبارت دیگر، گروه‌های انسانی به‌واسطه این شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که میان خود و دیگر می‌یابند، به هویت خود می‌رسند و در واقع می‌توان این دیگربودگی را «شرط زایش هویت به شمار آورد» (فکوهی، ۱۳۸۱: ۲۲).

بوستان‌های شهری به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین نموده‌های فضاهای عمومی شهری بالطبع باید در حوزه‌ی زندگی اجتماعی مبتنی بر تنوع، ادغام اجتماعی و پذیرش «دیگری» نقش برجسته داشته باشد؛ اما بررسی دیدگاه ساکنان اطراف دو بوستان «رشد» و «شریف» در منطقه‌ی ۲۲ شهرداری تهران بیان‌کننده‌ی رویکرد مبتنی بر طرد «دیگری» و حفظ قلمرو بوستان به‌عنوان یک فضای عمومی مختص «مای» اطراف بوستان است. دیدگاه کاربران از دو بوستان شهری (بوستان شریف و بوستان رشد) در منطقه‌ی ۲۲ شهر تهران به خوبی «مسأله ما و دیگری» را دست‌کم در ذهن و ادراک و حتی در مواردی در عمل اجتماعی نشان می‌دهد.

مقاله‌ی حاضر در صدد است تا ضمن ارائه‌ی ادله‌ی لازم برای وجود چنین مسأله‌ای در بحث استفاده از بوستان‌های شهری، به واکاوی نظری این مسأله بپردازد و نظر ارزیابان اجتماعی و فرهنگی بوستان‌های شهری را به این مسأله و نحوه‌ی تحلیل و تعیین راهکارهای کاهش آن جلب کند.

مسأله‌ی «ما و دیگری» که ممکن است با احداث یک بوستان در محدوده‌ی شهری برجسته شود آیا بیان‌کننده‌ی یک تضاد و تناقض در مبانی تئوریک و نظری توسعه‌ی بوستان‌ها در حوزه‌ی

گسترش سرمایه‌های اجتماعی، افزایش احساس امنیت، نهادینه شدن فرایندهای ادغام اجتماعی، غریبه‌زدایی، شکل‌گیری بستری برای فضای گفت‌وگویی و گفت‌وگویی و... است؟ یا این که بیان‌کننده‌ی نوعی تضاد و کشمکش در حوزه‌ی مصرف خدمات عمومی و تنش در فضای عمومی است؟ آیا این مسأله ایجاد زمینه برای گسترش انسجام محلی و تقویت هویت محلی میان ساکنان یک محدوده‌ی خاص است؟ برجسته شدن مسأله «ما و دیگری» در چه مقیاسی به احساس عدم امنیت، احساس تسخیر قلمرو زندگی، و خود محرومیتی از استفاده از بوستان منجر می‌شود؟ این‌ها پرسش‌هایی است که این مقاله در حد امکان می‌خواهد به این دست از پرسش‌ها پاسخ دهد.

نظریه‌ی فضای عمومی شهری؛ رویکردی درباره‌ی اهداف، پیامدها و کارکردهای بوستان‌های شهری یکی از اصلی‌ترین رویکردهای نظری است که می‌تواند از جنبه‌های مختلف تبیینی و تحلیلی در مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بوستان‌ها مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به پیچیدگی زندگی شهری و محدودیت فضای خانواده برای برقراری رابطه‌ی اجتماعی، شهرها، نیازمند فضاهای کالبدی خاصی است. از جمله مهم‌ترین فضاهایی که در شهرها به‌منظور برآورده کردن نیاز به برقراری رابطه طراحی و توسعه می‌یابند، فضاهای عمومی شهری است. یکی از برجسته‌ترین رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری رویکرد جامعه‌شناختی است که بیش‌تر بر جنبه‌های اجتماعی و کارکردهای جامعه‌شناختی فضاهای شهری تأکید دارد و این فضاها را به‌عنوان بستر وقوع زندگی جمعی تعریف کرده و بر قابلیت دسترسی این فضاها برای همه‌ی شهروندان از هر گروه اجتماعی که باشند، تأکید دارد. در این تعریف تلاش شده تا فضای عمومی به شکلی تعریف شود که امکان طرد اجتماعی گروه‌های خاصی در آن‌صورت نگیرد. در دیدگاه برنامه‌ریزی شهری بیش‌تر بر کارکردهای فضای عمومی شهری در سلامت روحی و روانی شهروندان تأکید می‌شود.

در رویکرد جامعه‌شناختی فضای عمومی فضایی است که ما در آن با غریبه‌ها، با مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند، سهیم هستیم. فضای عمومی فضایی است برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و برخورد‌های غیرشخصی. فضاهای شهری در کل عرصه‌های زندگی و تعاملات اجتماعی هستند. این فضا برای سیاست، مذهب، داد و ستد، ورزش، و همزیستی و برخورد‌های غیرشخصی تعریف شده است. فضاهای عمومی انواع فضاهای باز و سرپوشیده را شامل می‌شوند. بوستان‌ها، میدان‌ها، کوچه و خیابان، فضاهای باز، و سینما، فرهنگ سرا، موزه و لابی هتل‌ها از

جمله فضاهای پوشیده هستند. این دسته از فضاها به واسطه‌ی مقیاس عملکردی و هم‌چنین طیف متنوع و گسترده‌ی مخاطبین خود دارای بیش‌ترین سهم در حیات جمعی شهروندان هستند. از این‌رو ارتقای کیفی این دسته از فضاها بیش از سایر فضاها موجب ایجاد جامعه‌ی شهری سالم و شکوفا خواهند شد (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۷۷). فضای عمومی جایی است که تعالیم اجتماعی و تجربه‌ی روزمره‌ی زندگی شهری در آن روی می‌دهد.

بدیهی است نظام تفکیک و تمایز اجتماعی در شهر، وجود چنین فضاهایی را برنمی‌تابد و اصولاً هر شهر یا جامعه‌ای که طبقات اجتماعی و قشر را از یک دیگر بیش‌تر تمایز دهد و فرصت و امتیازهای اجتماعی را به‌طور نامساوی میان آنان توزیع کند و ساختار نهادینه‌ای برای قشربندی فراهم آورد، امکان تحقق فضاهای عمومی را محدودتر می‌کند. شکل‌گیری و عینیت یافتن عرصه‌های عمومی در شهرها مبتنی بر تفکر و بینشی است که ساکنان شهر را صرف‌نظر از طبقه و جنس و نژاد و خاندان، واجد حقوق برابر می‌داند و عنوان «شهروند» به آن‌ها اطلاق می‌کند.

به‌طور کلی می‌توان گفت منظور از فضای عمومی شهری، چارچوب‌های اجتماعی‌ای است که دارای مناسبات، امکان‌ها و محدودیت‌های خاص اجتماعی است و افراد درگیر در آن را متأثر می‌کند. آنچه امروزه این فضاها را جدی‌تر مطرح ساخته، چه بسا حضور بیش‌تر در این عرصه‌ها است. شهروند امروزین نسبت به پیشینیان نیاز بیش‌تری به این فضاها دارد. شرایط دشوار زیست شهری، مکان‌های کوچک و انبوه با انواع آلودگی‌های صوتی و محیطی، این اقتضا را دارد که ساکنان شهر برای خروج از انزوای آپارتمان‌نشینی و دسترسی به محیط‌های بازتر و تعامل آزادتر، به عرصه‌هایی روی آورند که امکان ملاقات‌های عمومی و گفت‌وگوهای غیررسمی با هزینه‌های کمتری برای آنان فراهم آید.

فضاهای عمومی شهری بستر پرقدردنی است برای زندگی جمعی و برقراری رابطه‌ی عاطفی میان مردم و رویدادهای سیاسی، تقویت روابط اجتماعی در جهت برقراری امنیت و اعتماد، سودمندی اقتصادی، کنترل اجتماعی، انتقال انرژی و اطلاعات، مبادلات، شایعات، دانش، تلطیف عواطف مشترک جمعی و افزایش حساسیت‌های روحی عاطفی و تعادل انسان، ایجاد و گسترش حساسیت‌های زیباشناختی و سلیقه‌ی مردم، جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری افراد جامعه و بستر مهم مراسم آیینی، مناسک، تشریفات، نمایش‌ها و ...

- راب وایت فضای عمومی شهر را بر حسب معیارهای زیر به سه دسته تقسیم کرده است:
- ۱- مکان‌های عمومی دارای دسترسی کامل برای همه مردم؛ مانند محوطه‌ها و بازارچه‌ها، محل‌های قدم زدن، پارک‌ها، سواحل و
 - ۲- مکان‌های عمومی دارای دسترسی محدود؛ مانند زمین‌های ورزشی، برخی سواحل، حیاط مدرسه، محیط‌های نمایش و
 - ۳- مکان‌های خصوصی اما قابل دسترس برای عموم مردم؛ مانند مراکز خرید و مجتمع‌های تجاری (وایت^{۷۵}، ۱۹۹۸: ۳).

علاوه بر موارد یادشده در بالا، فضاهای عمومی شهری به فضاهایی اطلاق می‌شود که به‌منظور گفت‌وگو و حضور مؤثر و فعال شهروندان در شهرها ایجاد می‌شوند. وجود فضاهای آزاد در شهرها برای پیشگیری از درماندگی، افسردگی، گوشه‌گیری و خشونت در جامعه ضروری است. این فضاها اگر مطلوبیت داشته باشد شرایط تجلی و بروز خلاقیت را برای شهروندان فراهم و زمینه‌ی درک موقعیت خود در مناسبات اجتماعی در شهر را برای خود امکان‌پذیر می‌کند (قادری، ۱۳۹۳).

روش اجرای پژوهش:

در پژوهش حاضر با توجه به اهداف مورد مطالعه، از روش کیفی استفاده شده است. یکی از روش‌های گردآوری داده‌های پژوهش حاضر، مصاحبه‌ی جامع با ساکنین و کاربران دو بوستان مورد بررسی بود. مبنای اتمام مصاحبه‌ها نیز اشباع نظری بوده است؛ یعنی زمانی که پاسخ‌ها تکراری شده و امر جدیدی مطرح نمی‌شد، مصاحبه به اتمام می‌رسید. در فرایند پروژه به جز فن مصاحبه، از روش مشاهده نیز استفاده شد؛ در واقع تمام حس‌ها- بینایی، شنوایی، لامسه و بویایی در مشاهده گرد آمده‌اند. با حضور در محل پروژه و مشاهده‌ی سبک زندگی و تعاملات مردم توانستیم به گردآوری داده‌های ارزشمندی بپردازیم. علاوه بر فن مصاحبه و مشاهده از روش مطالعه‌ی اسنادی برای شناخت منطقه و اطلاعات مربوط به هر دو بوستان و کاربری‌های آنها استفاده شد.

^{۷۵} - white

معیارهای انتخاب پاسخ گویان در گردآوری داده‌ها: ۱- بُعد مکان: اشاره به دوری و نزدیکی افراد و نهادها به محدوده‌ی بوستان‌ها دارد. به گونه‌ای که به نظر می‌آید افرادی که خانه‌هایشان یا محل کارشان به بوستان‌ها نزدیک‌تر باشد، بیش از سایرین از احداث بوستان متأثر می‌شوند؛ ۲- بُعد زمان، بستگی به میزان زمان حضور در بوستان یا محدوده‌ی نزدیک به آن دارد. برای نمونه، رانندگان گذری که از اتوبان همت عبور می‌کنند، از آن‌جا که زمان کوتاهی در این محدوده سپری خواهند کرد، به مراتب کمتر از کسانی که برای گذران اوقات فراغت به این بوستان می‌آیند، از پیامدهای آن تأثیر می‌پذیرند. ضمن آن که میزان تأثیرپذیری افرادی که به‌طور اتفاقی اوقات فراغت‌شان را در این بوستان می‌گذرانند (و یا گه‌گاه به این بوستان می‌آیند) کمتر از کاربرانی است که مرتب‌تر و در فواصل زمانی کوتاه‌تر به این بوستان مراجعه می‌کنند؛ ۳- تأثیرگذاری مستقیم و یا غیرمستقیم از احداث بوستان. برای نمونه، تأثیر این طرح‌ها بر افرادی که شغل‌شان با فعالیت‌های حوزه‌ی بوستان مرتبط است، مستقیم‌تر است تا کاربران موقت یا تصادفی بوستان. بنابراین بیش‌ترین میزان توجه مطالعاتی ما بر ذی‌نفعانی است که از نظر بُعد زمانی و مکانی، بیش‌ترین درگیری با موضوع را دارند و از نظر نوع، رابطه‌ی‌شان مستقیم‌تر است.

علاوه بر معیارهای فوق در انتخاب پاسخ گویان، از نزدیک‌ترین فضاهای فراغتی اطراف این مناطق بازدید به‌عمل آمد و کاربران آن‌ها را نیز جزء ذی‌نفعان این بوستان‌ها قرار دادیم؛ چرا که پس از احداث این بوستان‌ها، طبیعتاً بخشی از کاربران آن فضاها با توجه به عواملی هم‌چون امکانات بیش‌تر بوستان جدید و یا نزدیک‌تر بودن آن به محل اقامت‌شان، این بوستان را جایگزین دست‌کم بخشی از فراغت‌شان در فضاهای دیگر کنند.

با توجه به معیارهای یادشده در بالا، در محدوده‌ی بوستان شریف با ۳۱ نفر از مردان و زنان مجرد و متأهل، تحصیل‌کرده و تحصیل‌نکرده، شاغل و بی‌کار ساکن در شهرک شریف مصاحبه انجام شد؛ و در محدوده‌ی بوستان رشد با ۱۶ نفر از همسایگان و ساکنین اطراف.

توصیف طرح بوستان شریف و محیط اجتماعی آن:

بوستان شریف، در شهرک استادان دانشگاه صنعتی شریف در محدوده‌ای به مساحت ۴۸۰۰ مترمربع ساخته شده است. محل احداث این بوستان، ناحیه‌ی ۳، محله‌ی ۹، وردآورد، شهرک دانشگاه شریف، تقاطع خیابان گل‌ها و عباسپور است. بخش بزرگی از فضای اطراف بوستان را منازل مسکونی تشکیل می‌دهد. این منازل که متعلق به استادان دانشگاه صنعتی شریف بوده و البته

برخی از آن‌ها به افراد دیگری واگذار شده، در بخش فضاهای مجاور و هم‌چنین روبه روی بوستان قرار دارند. هم‌چنین، روبه روی بوستان، ساختمان در حال احداث سرای محله قرار داشت. در پشت فضای بوستان، شانه خاکی است و در انتهای بوستان نیز زمین‌هایی خالی که کاربری آن‌ها در حال حاضر مشخص نیست دیده می‌شود.

شهرک شریف در شمال محله‌ی وردآورد و در مجاورت محله‌های قلعه حسن‌خان، سرخه-حصار و... قرار دارد. محلات مذکور دارای بافت اجتماعی مهاجر با پایگاه اقتصادی اجتماعی نسبتاً پایین، دارای مشاغل خدماتی و نیروی کاری بنگاه‌های تولیدی و توزیعی اطراف شهر تهران، بعد خانوار بالا، و تحصیلات پایین‌تر نسبت به ساکنان شهرک شریف هستند. بر اساس تقسیم‌بندی‌های انجام گرفته از بوستان‌های شهری (لقایی به نقل از امامی، ۱۳۸۱: ۶)، که در آن بوستان‌های ۲۰۰۰ متر مربع تا ۵۰۰۰ مترمربع را بوستان مقیاس کوچک یا همسایگی تلقی می‌کند، می‌توان بوستان شریف را یک بوستان همسایگی تلقی کرد.

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، ذی‌نفعان طرح احداث بوستان شریف عبارتند از: ۱- ساکنین مجاور محدوده‌ی احداث بوستان: اصلی‌ترین ذی‌نفعان این گروه، ساکنان ۹ دستگاه ویلای دو طبقه متعلق به استادان دانشگاه شریف است، ۲- ساکنین شهرک شریف: این افراد اگرچه فاصله‌ی به نسبت بیش‌تری با بوستان شریف دارند، به واسطه‌ی استفاده‌ی‌شان از بوستان شریف، گروهی دیگر از ذی‌نفعان این پروژه را تشکیل می‌دهند. به‌ویژه آن‌که بوستان اصلی بیش‌تر ساکنین شهرک شریف تا زمان احداث بوستان شریف، بوستان غدیر بوده است، ۳- اهالی محلات و مناطق دورتر: ساکنین محلاتی هم‌چون وردآورد، قلعه حسن‌خان، سرخه‌حصار و... اکنون جزء کاربران عمده‌ی بوستان غدیر شده‌اند. احتمال می‌رود به زودی پای این افراد به بوستان شریف نیز باز شود و آن‌ها نیز جزء کاربران این بوستان شوند. هم‌چنین به احتمال قوی، شهرک آتی‌ساز که با فاصله‌ای حدوداً پانصدمتری در جنوب شرقی بوستان در حال ساخت است، پس از تکمیل، ساکنانش به کاربران بوستان افزوده شوند، ۴- ذی‌نفعان سازمان و نهادی این بوستان (هم‌چون شهرداری منطقه-۱ دو و کلاتری محدوده) هستند.

در مجاورت بوستان شریف و در شهرک شریف، بوستان غدیر واقع شده است که از لحاظ وسعت بزرگتر و شناخته شده است.

توصیف طرح بوستان رشد و محیط اجتماعی آن

بوستان رشد در حاشیه‌ی جنوبی بزرگراه همت واقع در ناحیه‌ی ۱ منطقه‌ی ۲۲ احداث شده است. اراضی جنوبی بزرگراه همت حدود ۱۲/۵ هکتار است که از شمال به بزرگراه همت و از جنوب به محله‌های مسکونی محدود می‌شود. این طرح در پنج فاز تدوین شده بود که در مرحله‌ی اول فقط محدود به فاز نخست شد. فاز نخست از مجتمع‌های خیام آغاز می‌شود. البته به نظر می‌آید این بوستان را در تقسیم‌بندی‌های انجام گرفته می‌توان بوستان با مقیاس شهری تلقی کرد؛ این نوع بوستان‌ها میان ۱۰ تا ۲۰ هکتار مساحت دارند (همان).



تصویر شماره‌ی یک- تصویر محدوده‌ی بوستان رشد

ساکنان اطراف بوستان رشد در جنوب بزرگراه همت اکثراً در خانه‌های ویلایی با مساحت بالا زندگی می‌کنند؛ در حالی که ساکنان محله‌ی روغن نباتی که در شمال بزرگراه همت و در مجاورت این بوستان قرار دارند، در آپارتمان‌های چند طبقه زندگی می‌کنند. ذینفعان اصلی بوستان رشد عبارتند از: ۱- ساکنان اطراف این بوستان؛ ۲- ساکنان محله‌ی روغن نباتی در شمال بزرگراه همت؛ ۳- رانندگان گذری از اتوبان همت در این نقطه. ساخته شدن این بوستان که در حاشیه‌ی اتوبان قرار دارد می‌تواند بر روند رفت و آمد خودروها در اتوبان تأثیر بگذارد. کودکانی که برای بازی به بوستان می‌آیند؛ خودروهایی که می‌خواهند کاربران را در نزدیکی بوستان پیاده کنند؛ خودروهای خود کاربران بوستان و... ۴- ذی نفعان نهادی (مانند شهرداری منطقه و سازمان فضای سبز شهر تهران).

یافته‌های پژوهش

از آن جایی که مطالعه‌ی ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بوستان شریف و رشد تقریباً پیش از بهره‌برداری و تا حدودی در حین بهره‌برداری بوده، دیدگاه و نظرهای کاربران بوستان‌ها متأثر از پیامدها و فرایندهای اجتماعی‌ای است که در فضای عمومی دیگر یا بوستان‌های دیگری بوده که آن‌ها آن را تجربه کرده‌اند. برای نمونه می‌توان تجارب کاربران شهرک شریف از بوستان «غدیر» را عامل بیان تأثیرات منفی‌ای دانست که پاسخ‌گویان درباره‌ی بوستان شریف ارائه کرده‌اند. بر اساس بررسی‌های اولیه در دامنه‌یابی تأثیرات مشخص شد دامنه‌ی تأثیرات بوستان شریف به هیچ‌وجه هم‌خوان با سطح مقیاس آن نخواهد بود. به عبارت دیگر، اگرچه مقیاس این بوستان خُرد و همسایگی است؛ اما قلمرو آن محدود به همسایگان آن نمی‌شود.

دامنه‌ی یک پروژه شامل محدوده‌ای جغرافیایی، اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی می‌شود که مستقیم یا غیرمستقیم از آن پروژه تأثیر پذیرفته و یا بر آن تأثیر می‌گذارد. برای نمونه، قلمرو بوستان شریف می‌تواند شامل همه‌ی افرادی شود که از این بوستان‌ها استفاده می‌کنند؛ اراضی دارای کاربری مسکونی اطراف پروژه که به واسطه‌ی ساخت این بوستان بهای‌شان کم یا زیاد شود؛ خیابان‌ها و کوچه‌هایی که خودروهای کاربران بوستان‌ها در آن‌جا توقف می‌کند؛ ساکنانی که از سر و صدای بچه‌هایی که در این بوستان‌ها حضور می‌یابند، اذیت می‌شوند؛ فروشگاه‌ها و مغازه‌هایی که فروش‌شان پس از راه‌اندازی این بوستان‌ها، کم یا زیاد شود؛ و... در مطالعات و بررسی‌هایی که انجام شد، با قطعیت می‌توان گفت قلمرو این بوستان‌ها بسیار فراتر از محدوده‌ی اطراف آن خواهد بود.

بررسی دیدگاه پاسخ‌گویان درباره‌ی بیش‌تر اثرات منفی هر دو بوستان نشان می‌دهد که مسأله‌ی «دیگری» و حضور او در بوستان نکته‌ی اساسی در اکثر این تأثیرات و منشأ و موتور محرک ایجاد تأثیرات منفی تلقی می‌شود. در جدول زیر به‌طور مختصر پیامدهای هر دو بوستان که با مسأله‌ی «خود و دیگری» مرتبط هستند آورده شده است و در ادامه به‌صورت به تفکیک توضیح داده شده‌اند.

جدول شماره یک پیامدهای شناسایی شده از سوی پاسخ‌گویان در محدوده‌ی دو بوستان شریف و رشد

ردیف	نام بوستان	پیامد شناسایی شده
۱	بوستان شریف	به هم خوردن آرامش محله و افزایش سر و صدا
۲		حضور افراد غریبه
۳		حضور دختر و پسرهای جوان
۴		افزایش احساس ناامنی

حضور جوانان محلات دیگر در بوستان	بوستان رشد	۱
حضور معتمدان در بوستان		۲
حضور رانندگان گذری در بوستان		۳

مهم‌ترین تأثیرات یا پیامدهای منفی بوستان شریف از نظر ساکنان محدوده عبارتند از:

۱- به هم خوردن آرامش محله و افزایش سر و صدا: برخی از همسایه‌های بوستان، به‌ویژه آن‌ها که کهن‌سال‌تر بودند، نسبت به سر و صدای ناشی از حضور افراد و کودکان در بوستان بسیار ناراضی به‌نظر می‌آمدند. این افراد معتقد بودند که یکی از بهترین مزیت‌های این محله، سکوت و آرامش آن است که به‌واسطه‌ی حضور کاربران بوستان از میان رفته است. برای نمونه یک خانم مسن همسایه بوستان معتقد است که:

«نه نیازی به این بوستان بود و نه به سینمای روبه روی شهرک. چون شهرک ویلایی است، نیازی به این امکانات ندارد. ضمن آن که گذاشتن وسایل و تجهیزات زیاد در بوستان، مایه ی رفت و آمد زیادی شده و سر و صدای آن، آرامش محله را به‌هم می‌زند».

۲- حضور افراد غریبه: باوجود این که بوستان با مقیاس ۴۸۰۰ متر به اندازه‌ای است که آنرا به-عنوان مقیاس خرد و همسایگی معرفی کردیم، اما کاربران آن بسیار فراتر از همسایه‌های بوستان هستند. به‌جز همسایه‌های بوستان، سه دسته کاربر دیگر برای این بوستان می‌توان برشمرد: ۱- اهالی دیگر نقاط شهرک: شهرک دانشگاه شریف دارای سرانه‌ی فضای سبز بالایی است و بوستان‌های دیگری نیز به‌جز بوستان شریف دارد که مهم‌ترین آن‌ها، بوستان غدیر است که هم خیلی بزرگ‌تر است و هم امکانات خوبی دارد؛ هم‌چنین چشم‌انداز زیباتری نیز دارد. این بوستان بسیار مورد توجه اهالی شهرک بوده و یکی از مراکز اصلی گذران اوقات فراغت آنان است. اما حضور افراد غیر بومی در این بوستان، باعث ناخرسندی اهالی شهرک شده و بسیاری ترجیح می‌دهند به بوستان‌هایی دیگری هم‌چون بوستان تازه‌تأسیس شریف بروند. ۲- اهالی مناطق اطراف: حضور افرادی از محلات و مناطق قلعه‌حسن‌خان، وردآورد، و سرخه‌حصار در بوستان غدیر، به-شدت مورد اعتراض اهالی شهرک است. به جرأت می‌توان ادعا کرد عمده‌ترین مشکل و مسأله‌ای که اهالی شهرک درباره‌ی بوستان‌های شان مطرح می‌کردند، همین حضور دیگری‌ها بود. خانم جوانی که اهل شهرک شریف است و هر روز صبح پیش از رفتن سرکار، برای ورزش به بوستان شریف می‌آید، از ناامن شدن بوستان غدیر که پیش از این از آن جا استفاده می‌کرده نگران است و همین نگرانی باعث شده دیگر به‌جای غدیر به شریف بیاید. از آمدن غیر بومی‌ها از سرخه‌حصار و

قلعه حسن خان ناراضی است. نکته‌ی جالب توجه، پیش‌بینی این خانم جوان است مبنی بر این که چون دید بوستان شریف از جاده‌ی پایین بیش‌تر است و نیازی به گذشتن از جلوی کیوسک نگهداری شهرک هم نیست، به زودی بسیار شلوغ‌تر از بوستان غدیر شود.

۳- حضور دختر و پسرهای جوان: برخی از اهالی نسبت به حضور دختر و پسرهای جوان که با یک دیگر دوست هستند در بوستان ناخرسندند. بر اساس گفته‌های یک خانم مسن، دختر و پسرهای جوان در این بوستان حضور می‌یابند و رفتارهای دور از عرف انجام می‌دهند. این پدیده بیش‌تر مورد توجه افراد مسن بود.

۴- افزایش احساس ناامنی: پس از حضور غریبه‌ها در بوستان غدیر، احساس ناامنی در این بوستان گسترش یافت. بر اساس گفته‌ی یکی از همسایه‌های جوان بوستان شریف:

«قسمت‌های پایینی بوستان غدیر محل حضور افرادی شده که امنیت خاطر حضور زنان را در آن بخش پایین آورده است. مثلاً عصر می‌نشینند ورق‌بازی می‌کنند.»

اگرچه برخی از مصاحبه‌شوندگان میزان امنیت شهرک را در حد قابل قبولی بیان کرده بودند، از سوی برخی دیگر، این احساس ناامنی در فضای کل شهرک نیز بیان شده است. خانم میان سال ساکن آپارتمان‌های نزدیک بوستان شریف، از امنیت محله و شهرک به شدت شاکی است:

«برای نگهداری سر خیابان همه پول می‌دهند؛ ولی کاری نمی‌کنند. چند وقت پیش خانه‌ی ما دزد آمد تا پشت در هم آمد و دستگیره را شکست ولی چیزی نزدید. ما اطلاع هم دادیم به نگهداری سر خیابان؛ ولی کاری نمی‌شد کرد.»

در میان مصاحبه با کاربران پارک غدیر با یکی از کاربران غیربومی پارک مصاحبه صورت گرفت. این کاربر مرد ۳۰ ساله اهل ورآورد بود که به پارک غدیر آمده بود، او گفت:

«... در وردآورد هم پارک هست، اما محیطش خوب نیست. مهمانانم را همیشه به پارک غدیر می‌آورم. خودم هم هفته‌ای به‌طور متوسط دو بار می‌آیم.»

بنابراین یکی از دلایل مراجعه‌ی ساکنان محلات اطراف به یک بوستان به دلیل عدم امکانات لازم در بوستان محل زندگی آن‌ها و امکاناتی است که این بوستان‌های محلی دارند.

باتوجه به بیان این تأثیرات می‌توان گفت اگرچه ساخته شدن بوستان در کنار خانه این افراد از یک سو دسترسی آن‌ها را به بوستان و فضای سبز بسیار ساده کرده، از سوی دیگر آن‌ها را با مسائلی چون حضور افراد غیر محلی و احساس ناامنی، سر و صدای کودکان، حجم بالای خودروهای کاربران بوستان و... درگیر کرده است. بنابراین به‌واسطه‌ی حضور افراد غیر محلی، دیگر

آسودگی و امنیت خاطر آن‌ها تأمین نمی‌شود و بسیاری از آنان ترجیح می‌دهند به‌جای حضور در بوستان غدیر که محل جولان «دیگران» شده است و به‌نحوی آن را تسخیر کرده‌اند، به بوستان‌های کمتر شناخته‌شده‌ای هم‌چون شریف بروند. اما تعدادی از آن‌ها باور دارند که پس مدتی بوستان شریف هم مانند بوستان غدیر محل جولان «دیگرانی» خواهد شد که از سوی پاسخ‌گویان عامل سلب آرامش آن‌ها هستند.

مهم‌ترین تأثیرات و پیامدهای منفی بوستان رشد از نظر پاسخ‌گویان عبارتند از:

۱- **حضور جوانان محلات دیگر در بوستان:** برخی اهالی نسبت به حضور جوانان محلات دیگر هم‌چون محله‌ی «روغن نباتی» که در شمال بلوار قرار دارد، گلایه و اعتراض داشته و نگران این موضوع بودند که چنان‌چه این زمین‌ها تبدیل به فضای سبز شود، پاتوقی باشد برای حضور شبانه‌روزی جوانان. بنابراین برخی از آنان حتی دوست نداشتند در صورت تبدیل شدن این زمین‌ها به بوستان، صندلی‌ای در آن کار گذاشته شود.

۲- **حضور معتادان:** بر اساس بررسی‌های انجام شده در محدوده‌ی پروژه، قبل از احداث پروژه بسیاری از معتادان به‌واسطه‌ی خلوت بودن این فضای بایر و تاریکی آن در شب‌ها، از این محل برای تزریق و مصرف مواد مخدر استفاده می‌کردند. یکی از بنگاه‌داران اشاره می‌کند که خودش همیشه شاهد چنین صحنه‌هایی هست:

«برخی‌شان پسرند؛ ولی در میان‌شان دختر و زن هم پیدا می‌شود. با ساخته شدن پارک، چنان‌چه به روشنایی و مسائل امنیتی‌اش توجهی نشود، می‌تواند به پناهگاهی امن برای حضور معتادان تبدیل شود».

۳- **حضور رانندگان گذری در بوستان و افزایش میزان ترافیک در بزرگراه همت:** بر اساس نظر ساکنان محلی چنان‌چه حاشیه‌ی اتوبان تبدیل به فضای سبز شود، احتمال پارک کردن خودروهای گذری در حاشیه اتوبان برای استفاده از فضای سبز وجود دارد. این کار احتمال بالا رفتن تصادفات و ترافیک را به میان می‌کشد. نکته‌ی دیگر که باید در این بخش به آن اشاره کرد، احتمال خطرزا بودن این بوستان است. سال پیش یک مورد خروج کامیون از اتوبان و انحرافش به سوی حاشیه‌ی جنوبی اتوبان همت رخ داد. چنان‌چه این زمین‌ها تبدیل به فضای با کاربری عمومی شود، باید مسائل امنیتی آن را نیز در نظر داشت تا حضور افراد در این فضا، هیچ‌گونه خطری را متوجه آنان نکند.

تاکید ساکنان اطراف بوستان رشد، تیم ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی را ملزم به مصاحبه و گفتگو با ساکنان محله‌ی روغن نباتی کرد. مصاحبه با جوانان و ساکنان محله‌ی روغن نباتی برخی مسائل را روشن‌تر کرد:

۱- این که ساکنان محلات بالای اتوبان، بیش‌تر ساکنین آپارتمان بودند؛ درحالی که ساکنین محلات جنوبی اتوبان همت، خانه‌های‌شان عموماً ویلایی است. در خانه‌های ویلایی بسیاری از افراد باغچه دارند و به‌طور کلی فضایی دل‌بازتری در اختیار دارند. در حالی که ساکنین آپارتمان‌ها از دسترسی به این فضا محروم‌اند و نیاز بیش‌تری به فضای سبز دارند.

۲- اهالی محلات بالای اتوبان فضای سبز کمتری داشتند. چند بوستان کوهستانی دارند که به‌دلیل شیب تند، به‌سادگی و برای همه قابل دسترسی نیست. یکی از اهالی محله‌ی روغن نباتی در این‌باره می‌گوید:

«بوستان کوهستانی [البرز] را که بزنند، برای‌مان خیلی خوب است. اما مشکلش این است که باید با ماشین برویم. پیاده نمی‌شود رفت. مثل بقیه بوستان‌های نزدیک ما».

۳- رفتن به بوستان، تنها دلیل حضور اهالی محلاتی هم‌چون روغن نباتی در فضاهای پایین اتوبان نیست، تراکم و تجمع خدمات عمومی و بازار وسایل روزمره خانوارها یکی دیگر از دلایل حضور در محدوده‌ی بوستان خواهد بود. یکی از آن‌ها می‌گوید:

«توی کل این منطقه فقط توی خیابون امیر کبیره که می‌تونم هرچی خواستی بخری. توی محله‌ها فقط به نونوایی یا میوه‌فروشی باشه. اما توی امیر کبیر بانک هست، تعمیرگاه هست، کلیدساز هست، همه چی گیر میاد. زن و بچه‌مون هم میرن اونجا».

بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که چنان چه فضای سبز در پایین اتوبان گسترش یابد، حضور اهالی محلات شمالی اتوبان هم افزایش یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی دیدگاه ساکنان محدوده‌ی دو بوستان (شریف و رشد) در یک منطقه‌ی جغرافیایی شهری (منطقه‌ی ۲۲ تهران) بیان‌کننده‌ی سویه‌هایی از ناخرسندی و عدم رضایت ساکنان و کاربران این دو بوستان درباره‌ی افراد غیر خودی یا «دیگرانی» است که از نظر پایگاه اقتصادی و اجتماعی، وضعیت سنی، سبک زندگی و.... با ساکنان و کاربران اطراف بوستان متفاوت هستند. همان‌طور که در بخش نظری مربوط به فضاهای عمومی توضیح داده شد، این فضاها به‌طور عام و

بوستان‌های شهری به‌طور خاص بستر پر قدرت تقویت زندگی جمعی و برقراری رابطه‌ی عاطفی میان مردم و رویدادهای سیاسی، روابط اجتماعی در جهت برقراری امنیت و اعتماد، کنترل اجتماعی، انتقال انرژی و اطلاعات، مبادلات، شایعات، دانش، تلطیف عواطف مشترک جمعی و افزایش حساسیت‌های روحی عاطفی و تعادل انسان، ایجاد و گسترش حساسیت‌های زیباشناختی و سلیقه‌ی مردم، جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری افراد جامعه و بستر مهم مراسم آیینی، مناسک، تشریفات، نمایشات، و... هستند.

بررسی دیدگاه ساکنان اطراف دو بوستان شریف و رشد از حضور «دیگری» کاملاً در تضاد با این دیدگاه نظری است. ساکنان اطراف بوستان شریف و رشد حضور «دیگران» در بوستان را عامل ناامنی، مزاحمت و دوری آن‌ها از بوستان تلقی می‌کنند.

چرا ساکنان شهرک شریف از حضور ساکنان سایر بخش‌های شهرک و ساکنان محلات سرخه حصار و وردآورد و سایر محلات اطراف ناخرسند هستند؟ چرا ساکنان اطراف بوستان رشد از حضور ساکنان محله روغن نباتی هراس دارند؟

بررسی دیدگاه ساکنان محله روغن نباتی به‌خوبی نشان می‌دهد که آن‌ها به‌دلیل نیازها و ضرورت‌هایی که در زندگی روزمره با آن مواجه هستند ناچارند به بوستان رشد بروند و از خدمات این فضا استفاده کنند. آن‌ها به‌دلیل فقدان فضای سبز دارای دسترسی آسان و راحت، عدم وجود مراکز عرضه‌ی خدمات عمومی و تأمین مایحتاج روزمره و... به بوستان رشد خواهند رفت. ساکنان محلات سرخه حصار و وردآورد هم به‌دلیل استفاده از یک فضای سبز و بوستان بهتر که دارای خدمات مناسب باشد از بوستان غدیر و شریف استفاده خواهند کرد. بنابراین حضور این افراد در بوستان‌های مذکور ناشی از فرایندهای نامتوازن تقسیم مزایا و منابع در شهر است که معمولاً در جاهای خاصی تمرکز می‌یابند.

براساس گفته‌های پاسخ‌گویان، مهم‌ترین دلایل ناخرسندی آن‌ها از حضور «دیگری» غیرخودی که برخی از آن‌ها «دیگری سنی»، برخی «دیگری مرتبط با پایگاه اقتصادی و اجتماعی»، و برخی نیز مربوط به «دیگری دارای یک رفتار ضد هنجاری و اجتماعی» است عبارتند از: سر و صدا، انجام رفتارهای خلاف عرف مانند حرکات و رفتار دختران و پسران جوان، قلیان کشیدن، ورق‌بازی، رفت و آمدن و ظاهر شدن معتادان در بوستان، حضور خانوادگی یا فردی ساکنان محلاتی که از نظر اقتصادی و اجتماعی در سطح پایین‌تری هستند، و...

با مذاقه در دلایلی که پاسخ‌گویان برای عدم حضور دیگران در بوستان اطراف خانه‌ی آن‌ها بیان شده است می‌بینیم که این دلایل چندان دلایل موجهی نیستند، و اگر این افراد خودشان هم بخواهند به بوستان‌های محلاتی که از نظر پایگاه اقتصادی و اجتماعی از آن‌ها بالاترند بروند با همین برداشت‌ها از سوی کاربران که در محدوده‌ی آن بوستان‌ها هستند مواجه خواهند شد. اما این موضع‌گیری نسبت به دیگری در زندگی کلان‌شهری ناشی از چیست و چه چیز عامل این موضع‌گیری است؟

قبل از پرداختن به این موضوع لازم است یک نکته‌ی اساسی درباره‌ی پیامدهای اجتماعی اقدامات توسعه‌ای بیان شود؛ این که، اقدامات توسعه‌ای نه‌در‌خلاف‌بلکه‌در‌متن‌شرايط‌محیطی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این شرايط محیطی از سوی محقق‌برایشنا‌سایتوان‌ایتولید‌آثار و نتایج مورد انتظار و پیش-بینی‌شده‌محدود می‌شود و در نتیجه‌ها مکات‌تحلیلی‌نیو‌چند‌بعدي تغییرات فراهم می‌شود (پاک سرشت، ۱۳۹۲).

بر اساس گفته‌های پاسخ‌گویان به نظر می‌رسد فضای دو بوستان نام برده شده بیش‌تر یک فضای تنازع و تضاد باشد تا یک فضای تعامل، مبتنی بر ادغام و تقویت‌کننده‌ی هم‌بستگی اجتماعی.

به نظر می‌رسد که تمایل یا گرایش ساکنان شهرک شریف که اغلب خانواده‌های استادان دانشگاه شریف یا مستأجران این استادان هستند و ساکنان اطراف بوستان رشد که بیش‌تر در خانه‌های ویلایی قرار دارند، این است که آن‌ها وجود یک بوستان در نزدیکی محل زندگی خود را محلی برای تبادل فرهنگی خودشان و کسانی که از لحاظ اجتماعی و فرهنگی، سنی، سبک زندگی و... هم‌سنگ آن‌ها هستند می‌دانند. آنان حضور دیگران را ممکن است به این دلیل تهدیدکننده تلقی-کنند که به ظهور و بروز رفتارها و ترویج ارزش‌هایی می‌انجامد که دون شأن فضایی است که در محل زندگی آنها واقع شده است.

در واقع، ممکن است آن‌ها این تصور را پیدا کرده باشند که به دلیل حضور خود آن‌ها در یک محله، کلیه‌ی فضاهای فیزیکی، اجتماعی و... در آن محدوده رنگ و بوی ارزش‌های آن‌ها را دارند و بالضروره باید منعکس‌کننده‌ی ارزش‌ها، اولویت‌ها و مسائلی باشد که برای آن‌ها مهم تلقی می‌شوند و نشان آن‌ها بر روی آن است. آلوده شدن این فضاها به ارزش‌های دیگر و الگوهای دیگر به معنای از بین رفتن تعلق مکانی آن فضا به محیط اجتماعی‌ای است که آن نوع ساکنان در آن زندگی می‌کنند.

آیا چنین برداشتی، برداشت تبعیض‌آمیز و مبتنی بر جدایی است که گروهی خاص دارند؟ یا یکی از واقعیت‌های زندگی مدرن و زندگی کلان‌شهری است؟

بر اساس نظریات پیر بوردیو می‌توان گفت که این واقعیتی انکارناپذیر و حتی گریزناپذیر در زندگی شهرنشینان جدید است. موضع‌گیری‌های ساکنان اطراف بوستان‌های شریف و رشد مبنی بر عدم تمایل به حضور دیگری در فضای بوستان می‌تواند بیش‌تر ناشی از چیزی باشد که بوردیو با تأکید بر مفهوم «تمایز» به تحلیل آن پرداخته است.

وی می‌گوید: «هم‌بستگی نیرومندی میان موقعیت‌های اجتماعی و طبع و قریحه‌ی عاملانی وجود دارد که این موقعیت‌ها را اشغال می‌کنند؛ یا به‌بیانی دیگر، خط‌سیرهایی که آن‌ها را به تصدی این موقعیت‌ها سوق داده و خط‌سیر معمول، بخش جدایی‌ناپذیر نظام عوامل تشکیل‌دهنده‌ی طبقه است» (بوردیو، ۱۳۸۹: ۱۶۳). از نظر بوردیو با جامعه‌ای سروکار داریم که موقعیت‌های فرهنگی- اجتماعی آن آلوده به فضایی تبعیض‌آمیز، سلسله‌مراتبی، و تکبر و نخوت است. و در چنین موقعیتی «سلیقه» (در انواع کالاهای فرهنگی از خوراک و پوشاک گرفته تا تیپ و نوع علاقه‌مندی‌های ادبی و هنری و یا ورزشی) و یا شیوه‌های رفتاری حتی «طرز سخن گفتن» و... همه به‌عنوان نشانه‌های تشخیص و تمایز طبقاتی به‌کار می‌روند. «تمایز»اتی که به‌دلیل ویژگی طبقاتی، که بر اساس توزیع نابرابر منابع شکل گرفته است، خواهی نخواهی قلمرو عمومی را با سرشت ستیزه‌جویی می‌آمیزد. در نتیجه، کل قلمروهای اجتماعی به میدان‌های نزاع و ستیز نمادهای طبقاتی بر سر تصاحب جایگاه قدرت در کالاهای اقتصادی و فرهنگی تبدیل می‌شود. بوردیو بیان می‌کند که «مبارزه بر سر تصاحب کالاهای اقتصادی یا فرهنگی، در آن واحد، مبارزه‌های نمادین بر سر تصاحب نشانه‌های تشخیص‌آوری است که کالاها یا فعالیت‌های طبقه‌بندی‌شده و طبقه‌بندی‌کننده‌اند، یا بر سر حفظ یا سرنگون کردن اصول طبقه‌بندی این ویژگی‌های تشخیص‌آور است. در نتیجه، فضای سبک‌های زندگی، ... طرازنامه‌ی مبارزه‌های نمادین برای تحمیل سبک زندگی مشروع در مقطع معینی است که در جریان مبارزه ... به کامل‌ترین شکل خود درمی‌آیند... «تشخیص»، یا بهتر بگوییم مرتبه یا «طراز»، که شکل مسخ‌شده، تشخیص‌ناپذیر و مشروع و موجه طبقه‌ی اجتماعی است، فقط به واسطه‌ی مبارزه‌هایی موجودیت پیدا می‌کند که برای تصاحب انحصاری نشانه‌های ممتازی درمی‌گیرند که موجب «تشخیص طبیعی» می‌شوند» (همان، ۳۴۱).

با توجه به مباحث بوردیو درباره‌ی تمایز اجتماعی به‌نظر می‌رسد در قلمرو روزمره‌ی جوامع طبقاتی، سبک و شیوه‌ی زندگی گروه‌های اجتماعی، در لابه‌لای سلسله‌مراتبی از مصرف و استفاده

از خدمات و نمادهایی شکل می‌گیرد که این کالا و خدمات علاوه بر نمایندگی سبک‌های متمایز زندگی، معرف جایگاه موقعیتی آن‌ها نیز هست و در عین حال موقعیت افراد از طریق همین امور بازتولید می‌شود.

بوستان‌های شهری به‌عنوان یکی از کالاها و خدمات مصرفی که در حوزه‌ی فراغت کاربرد دارند، به مانند سایر کالا و خدمات به‌عنوان یک نماد «تشخص» تلقی می‌گردند که ارزش‌های گروه مسلط و دارای مشروعیت اجتماعی بیش‌تر در محدوده‌ی آن بوستان به آن معنا بخشیده و جزء قلمرو آن‌ها محسوب می‌شود. ورود دیگرانی که فاقد ارزش‌ها، اولویت‌ها و مسائل گروه مسلط دارای مشروعیت اجتماعی است به منزله‌ی تخریب مکان و فضای بوستان از این ارزش‌های و اولویت‌ها و مسائل خواهد شد و دیگر نمی‌تواند به‌عنوان نماد تشخص آنها تلقی شود.

همان‌طور که گفته شد بر اساس دیدگاه بوردیو مسأله «تمایزیابی» که مهم‌ترین عامل ایجاد فاصله میان «من و دیگری» در زندگی روزمره دوران مدرن، جدایی‌ناپذیر و تا حدودی گریزناپذیر از آن است. اما این تمایزیابی تا کجا می‌تواند پدیده‌ای بهنجار و یکی از واقعیت‌های زندگی مدرن و کلان‌شهری تلقی شود؟

به‌نظر ما ارزیاب تأثیر اجتماعی باید توجه داشته باشد که این موضع‌گیری‌ها درباره‌ی حضور دیگران در یک بوستان تا حدودی طبیعی و حتی ممکن است دارای کارکرد مثبت در حوزه‌ی تقویت انسجام گروهی و محلی باشد، اما، اگر این تمایزیابی زمینه‌ی تضاد شدیدتر باشد و به واکنش و موضع‌گیری «دیگری» بیانجامد مخرب و آسیب‌زننده به روابط اجتماعی و گسترش‌دهنده‌ی تضاد و تنش در سطح اجتماعی خواهد شد؛ اما اگر در سطح تعدیل‌شده‌ای این تمایزیابی صورت گیرد، می‌تواند تا حدودی هم مفید باشد. تمایزیابی همراه با تحقیر و تخریب و طرد «دیگری» قطعاً به واکنش «دیگری» منجر خواهد شد و تضاد را عمیق‌تر خواهد کرد.

بر این اساس باید تا حدّ ممکن ارزیاب تأثیرات اجتماعی زمینه‌ی وجود تضاد قبلی در محدوده‌ی بوستان را شناسایی کند و ضمن ارائه‌ی پیشنهادهایی برای کاهش تنش و تضادهای قبلی، با تبیین تضاد ناشی از تمایزیابی از شدّت گرفتن آن به سوی تضاد مبتنی بر انحصارطلبی و تخریب، پیشگیری کند.

منابع:

۱. برغم‌دی، هادی (۱۳۹۰) ارزیابی تأثیرات اجتماعی بوستان ایرانیان، معاونت اجتماعی شهرداری منطقه ۱۹، اداره‌ی مطالعات اجتماعی.
۲. بوردیو، پیر (۱۳۸۹) تمایز: نقد اجتماعی، قضاوت‌های ذوقی، ترجمه‌ی حسن چاووشیان، تهران: نشر ثالث.
۳. پاک سرشت، سلیمان (۱۳۹۲) «ارزیابی واقع‌گرایانه‌ی تأثیرات اجتماعی اقدامات توسعه‌ای»، *مجله‌ی توسعه‌ی فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی*، آمل: مؤسسه‌ی آموزش عالی سبز، سال اول شماره‌ی دو، ص ۵۱-۷۵.
۴. سجادی‌پور، مهدی (۱۳۹۱) ارزیابی تأثیرات اجتماعی بوستان توکلی، معاونت اجتماعی شهرداری منطقه‌ی ۷، اداره‌ی مطالعات اجتماعی.
۵. فکوهی، ناصر (۱۳۸۱) تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.
۶. قادری صلاح‌الدین (۱۳۹۰) ارزیابی تأثیرات اجتماعی بوستان نهج البلاغه، معاونت اجتماعی شهرداری منطقه‌ی ۲، اداره‌ی مطالعات اجتماعی.
۷. قادری، صلاح‌الدین (۱۳۹۳) بینش و روش در حوزه‌ی ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بوستان‌ها، تهران: نشر تیسرا با همکاری معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران. (زیر چاپ).
۸. مدیران فرهنگ و هنر، مؤسسه (۱۳۸۹)، ارزیابی تأثیرات اجتماعی بوستان بازیافت، معاونت اجتماعی شهرداری منطقه‌ی ۱۶، اداره‌ی مطالعات اجتماعی.
۹. Ravenscroft, N.; & Markwell, S. (۲۰۰۰) «Ethnicity and the integration and exclusion of young people through urban park and recreation provision», *Managing Leisure*, ۵, ۱۳۵-۱۵۰.
۱۰. Tinsley, H. E. A., Tinsley, D. J. & Croskeys, C. E. (۲۰۰۲) «Park usage, social milieu, and psychosocial benefits of park use reported by older urban park users from four ethnic groups» *Leisure Sciences*, ۲۴, ۱۹۹-۲۱۸.
۱۱. White, Rob (۱۹۹۸) **pubic space and community Crime Prevention**, The conference safer Communities, Australia, melbourne.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.